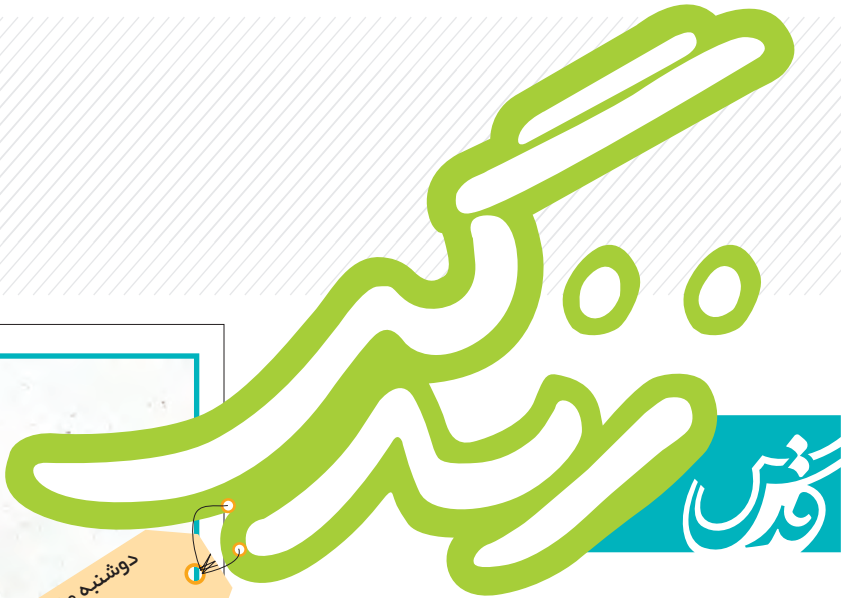




نامه فرهنگ

به خاطر یک مشت دلار

بیش از یک قرن است که در آموزش‌های دبستانی و دانشگاهی و در همه نهادهای تولیدکننده فرهنگ در تمدن غربی از «کریستف کلمب» جانانه ستایش شده و از شجاعت دریایی‌اش، به عنوان قهرمان شجاعت‌های ثروتمندآفرین یاد می‌شود و او را عامل اصلی ثروت‌های «کلیسا» و دربار حکومت اسپانیا می‌شناسند و بدین ترتیب این «دریانورد بی‌رحم خونریز» را بزرگ‌ترین قهرمان خدمتگزار دوران استعماری تمدن مسیحی غربی معرفی می‌کنند.

بی‌تردید جناب «دریانورد کریستف کلمب» یک دزد تمام عیار و بی‌رحم بود که به جای دزدی برای خودش برای دربار کلیسا و سلطنت، دزدی می‌کرد و در سرزمین‌های آمریکای جنوبی، هر جا قوم و قبیله‌ای را کشف می‌کرد، ابتدا طلاهای آن‌ها را تصرف کرده و سپس سربازان اسپانیایی جان آن قبیله را به تاج خونین می‌پردند و به جای آرامش، وحشت و ستم جدید مسیحیت استعماری را حاکم می‌ساختند.

«کریستف کلمب» پرچمدار ویران‌سازی فرهنگ‌ها و نابودگر بی‌رحم نژادهای رنگین پوست بود که به‌نام «مسیح» آسمان آبی فام پرآرامش یک قاره از کره زمین را آغشته به باران نفرت و تحقیر انسانی ساخت و تاریخ کلاسیک شکوهمند قبیایل گوناگون سرخپوست آمریکای جنوبی را از حافظه تاریخ طبیعی تمدن بشری پاک و تصویری خائنانه و نفرت‌انگیز از نژاد، رنگ، زبان و ادبیات که شایسته ویرانی و نابودی است، به جای آن ترسیم کرد.

نژادها و مذاهب و قبیایل تاریخ‌مندی که در آمریکای لاتین زندگی می‌کردند، همگی ثروتمند بودند و در معابد و پرستگاه‌های خویش اشیا و سنگ‌های قیمتی فراوان نگهداری می‌کردند و از ذخایر چشمنواز طلا، به پرستگاه‌هایشان، بزرگی و درخشندگی خیره‌کننده بخشیده بودند و بدین گونه روح وحشی و نژادپرست تمدن غربی که میراث‌خوار روم باستان و اندیشه‌های یونانی بود؛ فلسفه قدرت سیاسی و جهان‌خواگی خونریزانه خویش را در لایه‌های معنایی و ارزشی دین مسیح، پنهان و به نام توسعه و پیشرفت اندیشه و دین مسیح، مسیحی‌سازی بی‌رحمانه قاره آمریکای لاتین را آغاز کرد.

آغاز کرد تا به طلا و طلاهای فراوان، این عشق حقیقی و همیشگی تمدن غربی، دسترسی یابد و بر ثروت و قدرت سیاسی خویش بیفزاید، مسیحی‌سازی آمریکای لاتین، یکی از خونین‌ترین و وحشیانه‌ترین پرونده‌های تاریخی، تمدن غربی و مسیحیت‌گرایی استعماری است و یکی از نشانه‌های آشکار برتری‌جویی‌ها و خودپرستی‌ها و خودخواهی‌های عمیق یک تمدن جهانی به‌نام تمدن لیبرال مسیحی است.

تمدنی که برای دسترسی به یک کیلو طلا و یا یک بشکه نفت،

تیربار نفرت‌آفرینی و آتش‌پرگنی را به کار می‌اندازد تا از روی خون

هزاران انسان عبور کند و به آرزوهای بی‌پایانش، به نفت و طلا

برسد.

روزمره نگاری

رقيه توسلي

چرا به کووید، نامه نمی نویسم...؟

پرویز: کشف کردم ضلع جنوبی سقف هال،برش‌های نامنوازن و اشتباهی دارد و استادکار انگار این تکه نگار، دیگر عشقش نکشیده‌استاد باشد.

فهمیدم آپارتمان بغلی، همان‌که داشک، مُشرّف نه، توی حلقوم بالکن ماست، دو دختر دارد به نام طلا و مونا.

فهمیدم کارتن گلسرخی‌های چهیز «عزیز» دارد ته کمد تلف می‌شود. دستم امد اندازه شاد کردن دو عتیقه فروش، بارونندیل قدمت‌دار پیدا می‌شود گوشه و کنار خانه. همان‌ها که خودم زیاد در بندشان نیستم. بسته سیگار هم پیدا می‌کنم. خارجی. درس را باز می‌کنم و بو می‌کنم. خاطرات می‌برد بیرون. خدایا یونانی‌ها را لعنتشان کند که چیچی‌مان کردند. یادم می‌افتد خیلی سربه سر مهمانم گذاشتیم آن روز کثایی دایی را ذله کردم بس که پا بی‌اش شدم. بس که از مضرات دخانیات ترساندمش اما افافه نکرد و در پایان هیچ قولی ردودیل نشد بین دو طرف.

فهمیدم یک قرطنه‌ای می‌تواند به عتیکبوت روی دیوار اهمیت بدهد و بیش از سابق مورچه‌ها را دنبال کند ببیند بالاخره راه خانه شان از کدام طرف است.

دربوز: قدیمی‌های فامیل برایم گفته بودند: تنهایی در تنهایی درد دارد، نه تنهایی به ذات خویش.

با گوشت و پوست و استخوان به این روایت می‌رسم. خواهری سر صبح زنگ می‌زند؛ پریشان و هق‌هق کنان، می‌شناسمش. پیداست که یک دل پر، ناله زده.

قلبم می‌افتد به تالاب تولوپ.

بعد از سلام، بی معطلی می‌گوید: هاله رفت. با بُهت تمام اضافه می‌کند: وای بر من! نیکی و بزرگ‌مهر چه بکنند؟ سه ساله و پنج ساله‌ها، بی مادر چه بکنند؟ خبر از مژه مژه می‌کنم در ذهنم، رفیق فالربک خواهری که بعد فوِت همسرش، هم پدر بود برای بچه‌هایش هم مادر، رفته...

دنیا سیاه می‌شود. صبح دوباره شب می‌شود. لعنت خدا بر کرونا! قلبم برای این طفل معصوم‌ها، کیود است.

امروز: می‌خواهم بروم سر قرار کاری. خانم مدیر تماس گرفته با همه همکاران. آن‌طور که استنباط کردم؛ام می‌خواهد روحمان را از جنگ کرونا بیرون بکشد. باید خودمان را بتکانیم، قرطنه‌یی بی‌تعارف توی تک تک مویرگ‌هایمان رسوخ کرده، کُرت شده‌یم.

کفش و کلاه می‌کنم و همراه بیروت، نیکی و بزرگ‌مهر، ماه چهره خیلی، استادکار خسته راه می‌افتم. تمام سعی‌ام را می‌کنم به اینکه تابستان است و می‌خواهم با رعایت پروتکل‌ها یسه دوره‌می توی پارک ببیندم، بها بدهم. به یافته‌ها و کشفیاتی که شاید طی مسیر دگرگونم کنند... نه به این کووید بی‌اصل و نسب قاتل.

البته که یادم نمی‌رود علاوه بر برداشتن دسته کلید، به آدم رنگ پریده توی آینه کمی لیخند اضافه کنم.

امحمد تربت‌زاده؛ هرچند این روزها با لوج گرفتن اخبار مربوط به کرونا و همچنین بولد شدن اخبار مرتبط با انفجار بیروت، یکی از داغ‌ترین سؤزهای خبری جهان در چند ماه اخیر یعنی اعتراض‌های ضدنژادپرستی در آمریکا به حاشیه رانده شده، اما به آن معنا نیست که اعتراض‌های مردمی در آمریکا پایان یافته‌است. در آستانه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا موج وسیع‌تری از این اعتراض‌ها در آمریکا به‌راه افتاده، اما این‌بار عمده اعتراض‌ها به‌صورت کمپین‌های مجازی است. کمپین‌های مجازی که حالا حرف‌هایی فراتر از تبعیض نژادی برای گفتن دارند و بسیاری از آن‌ها معتقدند سیاست‌های آمریکا در تمام این سال‌ها، این کشور را به سمت و سویی برده که زنگ خطر ظهور یک نظام فاشیستی در آمریکا را به صدا در آورده است.

نه به فاشیسم آمریکایی

این روزها به لطف شبکه‌های اجتماعی خیلی‌هایمان بارها کلمه فاشیسم را شنیده‌ایم. کلمه‌ای که البته اغلب در معنای صحتیجش به کار نمی‌رود و خیلی‌هایمان هم که فقط آن را در شبکه‌های اجتماعی شنیده‌ایم، خیال می‌کنیم معنای دقیق آن را می‌دانیم و بارها هم از آن استفاده می‌کنیم. درحالی که نه تنها معنی دقیقش را نمی‌دانیم بلکه به درستی هم از آن استفاده نمی‌کنیم. به عنوان مثال وقتی یکی از هموطنانم از یک مهاجر افغانستانی متلک‌پرانی می‌کند یا یک آمریکایی سفیدپوست، سیاه‌پوستان کشورش را مورد توهین قرار می‌دهد، نمی‌توانیم برای توصیف این شرایط از واژه فاشیسم استفاده کنیم. یا در معنای کلی‌تر نمی‌شود دولت‌های دست راستی محافظه‌کار از غرب را فاشیست بنامیم. حتی چپ‌اندن برچسب فاشیست به شخصیت‌های نژادپرستی مانند ترامپ هم در معنای علمی‌اش صحیح نیست. پس اگر هیچ‌کدام از این‌ها معنای اصلی جریانی به نام فاشیسم را نمی‌رساند، چرا کارشناس‌ها معتقدند زنگ خطر بروز فاشیسم در آمریکا به صدا درآمده؟ یا چرا کاربران فضای مجازی جنبش‌های نظیر «نه به فاشیسم آمریکایی» را در توئیتر کلید زده‌اند؟ اصلاً معنای فاشیسم چیست؟

فاشیسم به زبان ساده

اگر بخواهیم فاشیسم را به زبان ساده تعریف کنیم، باید بگوییم فاشیسم چیزی است بین حکومت‌های سرمایه‌دار امروزی در غرب و حکومت‌های کمونیستی سال‌های دور در شرق برخلاف تصورمان فاشیسم در نژادپرستی خلاصه نمی‌شود و مؤلفه‌های زیاد دیگری هم دارد که برخی از آن‌ها را از سرمایه‌داری وام گرفته و برخی‌ها را هم از آموزه‌های کمونیستی، برای همین نمی‌شود در این مطلب کوتاه فاشیسم را به طور کامل تعریف کرد و اگر بیشتر از این قرار باشد وارد جزئیات شویم، احتمالاً هم حوصله شما سر می‌رود و هم این مطلب چیزی شبیه به مقاله‌های دانشگاهی از آب در می‌آید! پس به همین تعریف ساده که توسط دانشمندان علوم سیاسی درباره فاشیسم مطرح شده، بسنده می‌کنیم: «هدف فاشیسم، حفظ نظام دیکتاتوری است در هنگامی که حکومت به شیوه‌های متعارف، امکان‌پذیر نباشد. حکومت فاشیستی همه حقوق و آزادی‌های دموکراتیک را در کشور از بین می‌برد و سیاست خود را معمولاً در لافهای از تئوری‌ها و تبلیغات مبتنی بر تعصب ملی، نژادی و ایدئولوژیک می‌پوشاند».

چرا آمریکادر خطر است؟

حالا که کمی بیشتر با مفهوم فاشیسم آشنا شدید، بد

گفت‌وگو با افسانه احسانی، پژوهشگر طرح «کتاب عروسک»

که عروسک‌های بومی چند منطقه کشورمان را زنده کرده است

«دوتوک» به جای «باربی»



مرگ تدریجی رویای آمریکایی

نیست بدانید هدف اصلی کسانی که پوش نه به فاشیسم را در آمریکا راهاندازی کرده‌اند، این است که بگویند چیزی که آمریکا را در خطر قرار داده، صرفاً اقدام‌های ترامپ و دولتش نیست بلکه زمینه تاریخی اقدام‌های فاشیستی در این کشور است که زنگ خطر ظهور یک نظام فاشیستی در آمریکا را به صدا درآورده است.

رهبران این جنبش‌های مجازی که حالا به رسانه‌ها و مطبوعات هم راه پیدا کرده‌است، معتقدند از همان روزهای اول به قدرت رسیدن ترامپ، نگرانی‌های زیادی در زمینه گرایش‌های ضد دموکراتیک او وجود داشت، اما اتفاق‌هایی که در تابستان داغ آمریکا به وقوع پیوست، سبب بروز یک بیداری عمومی در زمینه حرکت این کشور به سوی فاشیسم شد که ابعادی فراتر از اقدام‌های ضدنژادپرستانه ترامپ و دولتش دارد.

یک فاجعه تاریخی

احساسات کینه‌جویانه نسبت به مهاجران، نفرت از آسیایی‌ها، تغییرات قانون مهاجرت، منع ورود مسلمانان به آمریکا انتقادهای شدید از مطبوعات، تهدید شبکه‌های اجتماعی، اعزام نیروهای فدرال به ایالات مختلف آمریکا برای سرکوب مردم و صدها مورد دیگر، دلایلی است که گردانندگان کمپین‌های نه به فاشیسم با اتکا بر آن‌ها اعلام می‌کنند کشورشان در آستانه یک فاجعه تاریخی قرار دارد. اما چیزی که بسیاری از اعضای این پوش مجازی به آن اعتقاد دارند این است که ایالات متحده در حال حاضر یک رژیم فاشیستی نیست. هرچند معترضان به صورت بی‌سابقه توسط مأموران فدرال سرکوب می‌شوند، مطبوعات زیر فشار دولت قرار دارند و شبکه‌های اجتماعی دائم تهدید می‌شوند اما همین که کاربران می‌توانند پوش ضدفاشیستی در آمریکا راه بیندازند به آن معنی است که نظام سیاسی این کشور هنوز در سرائشی سقوط به سمت یک حکومت فاشیستی نیفتاده‌است.

تحلیلگرانی هم که کمی تخصصی‌تر درباره این کمپین‌ها اظهارنظر کرده‌اند، معتقدند عملکرد مستقل دادگاه‌ها در آمریکا، اداره کنگره توسط مخالفان دولت و موارد دیگر نشان می‌دهد آمریکا هنوز تبدیل به یک حکومت فاشیستی نشده اما راه زیادی هم تا تبدیل شدن به یک حکومت خودکامه فاشیستی باقی نمانده‌است.

پرستی که در اینجا ایجاد می‌شود آن است که اگر همه معتقدند آمریکا توسط فاشیست‌ها اداره نمی‌شود، پس این همه هیاهوی مجازی و حقیقی بابت چیست؟

محدود کردن آزادی

تحلیلگران آمریکایی معتقدند هدف پوش ضد فاشیسم در آمریکا هشدار دادن بابت ظهور یک حکومت فاشیستی نیست، بلکه هشدار درباره بروز و ظهور جنبش‌های اجتماعی و سیاسی فاشیستی است. منظور این تحلیلگرها این است که هشدار دادن در مورد یک حکومت فاشیستی، اصلاً کار سختی نیست چون همه می‌دانند آن حکومت توسط فاشیست‌ها اداره می‌شود به زبان ساده‌تر، اگر ما همیشه نگران رژیم‌هایی باشیم که فاشیست بوده‌اند، در مواجهه با جنبش‌های اجتماعی و سیاسی که در نهایت به دنبال دگرگونی دموکراسی‌های لیبرال به روش‌های فاشیستی هستند، ناتوان خواهیم بود. در نتیجه جنبش ضدفاشیستی‌ای واقعی است که نگران جنبش‌های اجتماعی و سیاسی فاشیستی باشد.

بازهم اگر به زبان ساده‌تر بخواهیم بگوییم، اساس یک دموکراسی سالم، هنجارهای دموکراتیک – یعنی احترام



ورزش

استقلال-سپاهان در یک چهارم نهایی جام حذفی به هم رسیدند

«فرهاد» بدون خط آتش مقابل قلعه «ژنرال»

بیرانوند: ۱۵ میلیارد برای باشگاه در آمدزایی کردم

به استوکس مدال دادند به من نه!



برای هر یک دلار این پول زحمت کشیدیم

برانکو: شرمی از انتشار قراردادم ندارم

مجازآباد

جاهلیت مدرن



صفحه اینستاگرامی «توجوان» منتسب به دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، سخنان سال ۱۳۹۴ رهبر انقلاب درباره جاهلیت را منتشر کرده است. بخش‌هایی از آن را بخوانید: «... جاهلیتی که دختران رو زنده به گور می‌کرد؛ به‌نظر-تون مدرن‌ش چه شکلی می‌شه؟ فرق جاهلیت مدرن

با جاهلیت اول این است که امروز جاهلیت، مسلح و مجهز است به سلاح علم و دانش... کسانی که امروز دارند به دنیا زور می‌گویند، با تکیه به فراورده‌های دانش خود است که زور می‌گویند؛ ابزارهای عظیم اطلاعاتی، امنیتی و تبلیغاتی، این‌ها فراورده‌های علم است.»

آستین بالا بزنید



وزیر ارتباطات دو سه روز پیش در اینستاگرام، همه ورزشکاران، هنرمندان و... را دعوت کرد تا به پوش «پران همدل» بپیوندند. حالا صفحه اینستاگرامی علی پروین نوشته: «می‌دونم خیلی از شماها دست به خیر دارید... حالا می‌خوایم دل‌هامون رو باز

به هم نزدیک کنیم، آستین بالا بزنیم و یالعی بگیریم که تعداد زیادی دل

رو شاد کنیم... من خودم همین الان به میلیی رو به شماره کارت ایران

همدل کمک کرده... از همه هواداران فوتبال دعوت می‌کنم که این

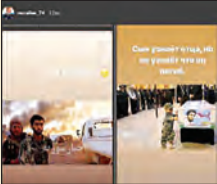
زنجیره رو ادامه بدند.»

چقدر فرصت می‌خواستی؟



«کسری ناجی» خبرنگاری بی‌بی‌سی فارسی در واکنش به برکناری برایان هوک در توئیتر نوشته بود: «... سعی‌اش را کرد، ولی حقیقت این است که حکومت ایران هنوز سسریا ایستاده. بعد از دو سال فشار حداکثری، حکومت هنوز دست‌هایش را به نشانه تسلیم بالا نبرده... برایان هوک تا کی وقت می‌خواست؟» حالا یک کاربر توپیتر هم نوشته است: «سیاست فشار حداکثری آمریکا علیه ایران، حالا یک قربانی گرفته. خبرنگاری بی‌بی‌سی فارسی ضمن تصدیق تلاش برایان هوک، شایکه که چرا ایران هنوز به ارز دسترسی دارد؟ چرا ایران دستاش رو بالا نبرده و تسلیم نشده؟ معترضه که مگه چقدر فرصت می‌خواستی؟»

پدر را می‌شناسد



«المار نور علی اف» همان کشتی‌گیر اوکراینی اما آذربایجانی تبار است که خرداد سال گذشته پس از قهرمانی در مسابقات کشتی کشورش، به ازلباسی که تصویر رهبر معظم انقلاب روی آن نقش بسته بود روی سکو رفت و مدال طلایش را گرفت... او در صفحه فیس‌بوکش هم بارها تصاویر و مطالبی درباره شهید حججی، مدافعان حرم، سفرش به کربلا و... را منتشر کرده بود. «علی اف» این بار هم تصویری را که می‌بینید، در اینستاگرام استوری کرده و نوشته: «پسر، پدرش را می‌شناسد اما نمی‌داند که او را از دست داده.»

